

ستایش: به نام کردگار

افلاک: ج فلک، آسمان ها

رزاق: روزی دهنده

زهی: هنگام اظهار خشنودی یا شگفتی از چیزی یا تشویق و تحسین کسی گفته می شود. خوشا، آفرین، شگفتا

فروغ: روشنایی، پرتو

فصل: لطف، توجه، رحمت، احسان - که از خداوند

می رسد. + دَاش (مَن رَزَن) (۲)

کام: دهان (۱) (معنای مجازی) + مراد، آرزو، قصه، نیت

درس یکم: چشمه

گنج حکمت: پیرایه خرد

اهلیت = برازندگی: شایستگی، لیاقت → ائم!

پیرایه: زیور و زینت

تیزپا: تندرو، تیزرو → صفت!

جافی: ستمگر، ظالم ← هم ریشه با "جفا"

حازم: محتاط

خیره: سرگشته، حیران، فرومانده

دست برد: هجوم و حمله؛ دست برد دیدن: مورد

حمله و هجوم قرار گرفتن

شکن: پیچ و خم زلف

صورت شدن: به نظر آمدن، تصور شدن

غُلغله زن: شور و غوغاکنان

فرج: گشایش، گشایش در کار و از میان رفتن غم و رنج

گلبن: بوته یا درخت گل، به ویژه بوته گل سرخ

معرکه: میدان جنگ، جای نبرد

مفتاح: کلید یا میله (دوازدهم)

مکاید: ج مکیدت، مکرها، حيله ها

میعاد: وعده، قرار؛ میعاد نهادن: قرار گذاشتن

نادره: بی همتا، شگفت آور

نمط: روش، طریقه؛ ازین نمط: بدین ترتیب + بساط شطرنج (دوازدهم)

نیلوفر: صفت نسبی، منسوب به نیلوفر، به

رنگ نیلوفر، لاجوردی؛ در متن درس، مقصود از

«پردۀ نیلوفری»، آسمان لاجوردی است. ← نیلی

خور → ورطه: گرداب، گودال، مهلکه، گرفتاری

علله = هنگامه: غوغا، داد و فریاد، شلوغی

یله: رها، آزاد؛ یله دادن: تکیه دادن

درس دوم: از آموختن ننگ مدار

روان خوانی: دیوار

تیمار: غم، حمایت و نگاهداشت، توجه؛ تیمار داشتن:

غمخواری و محافظت از کسی که بیمار باشد یا به

بلا و رنجی گرفتار شده باشد؛ پرستاری و خدمت

کردن

فارسی ۱

۱۵۱



همسر: (۱) زن و شوهر (۲) برابر

کام: (۱) دهان (۲) آرزو و قصد

راست: (۱) درست (۲) صدق (۳) دقیقاً (۴) مخالف چپ (۵) را + است

محال: (۱) بی اصل (۲) ناممکن (۳) اندیشه باطل

تیمار: (۱) غم (۲) حمایت و نگاهداشت (۳) توجه

ضایع: تباه، تلف
عَمَلَه: ج عامل، کارگران؛ در فارسی امروز کلمهٔ عمله، به صورت مفرد، به معنی یک تن کارگر زبردست بنا به کار می‌رود.
قربت: خویشی، خویشاوندی؛ در متن درس، منظور «خویشاوند» است
مجال: بی اصل، ناممکن، اندیشهٔ باطل
مستغنی: بی نیاز
مولع: بسیار مشتاق، آزمند
نموده: نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده = معلی

درس چهارم: درس آزاد (ادبیات بومی ۱)

.....

.....

.....

.....

.....

.....

درس سوم: پاسداری از حقیقت

گنج حکمت: دیوار عدل

تالاب: آبگیر، برکه

تناور: تنومند، فربه، قوی جثه

حضیض: جای پست در زمین یا پایین کوه

رفیع: بلند، مرتفع

درس پنجم: بیداد ظالمان

شعر خوانی: همای رحمت

سخره: مسخره کردن، ریشخند

شرف: آبرو، بزرگواری = حمت ، رحمت ، خسب ، ناموس

ضامن: ضمانت کننده، کفیل، به عهده گیرندهٔ غرامت

عامل: حاکم، والی + کارگر = لحم ، حصارت

عزم: قصد، اراده = کام

آیت: نشانه \leftarrow اسم!

خذلان: خواری، پستی، مذلت \leftarrow هم ریشه با مخزول

دولت آشیان: دولت سرا، آشیانهٔ خوشبختی

فارسی ۱

۱۵۲



عمارَت: (۱) آباد کردن (۲) ساختمان

مولع: (۱) مشتاق (۲) حریص